

تنظیم خانواده و مبانی مشروعیت آن

از دیدگاه علمای امامیه*

زینب کریمی

کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

خانواده، به عنوان زیربنای حیات اجتماعی و عامل تکثیر نسل از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. از آن رو که تنظیم خانواده از مسائل مبتلابه جوامع امروزی و دامنگیر اغلب خانواده‌ها می‌باشد لازم است کاربرد ابزار و شیوه‌های متنوع به کار رفته در این زمینه از منظر شرعی و فقهی تبیین شود. تنظیم خانواده، به معنای ارادی کردن تعداد فرزندان و ابعاد خانواده یا به دیگر سخن، همان «کنترل موالید» است، اما به دلیل آنکه اغلب در جهت تقلیل بازوری ضرورت یافته، احکام مربوط به آن نیز در همان جهت بررسی و تبیین خواهد شد.

مهم‌ترین مأخذ در تحصیل حکم شرعی مسئله، روایات متعددی است که با موضوع «عزل» از بیانات حضرات معصومین علیهم‌السلام به دست آمده و ادله متقنی بر جواز عزل محسوب می‌شوند. از این رو، برخی از صاحب‌نظران برآنند که می‌توان سایر شیوه‌های جلوگیری از بارداری را که اساس آن به مانند روش عزل بر مبنای ممانعت از ترکیب نطفه باشد، با رعایت برخی شرایط جایز شمرد. البته علاوه بر شرایط بیان شده، برنامه تنظیم خانواده باید با رضایت و اذن همسر (شوهر) صورت بگیرد.

کلیدواژه‌ها: کنترل موالید، تنظیم خانواده، عزل، مبانی فقهی، تکثیر نسل، فقه

امامیه، تقلیل بازوری.

مقدمه

فقه، نظریهٔ ادارهٔ جامعه است و مسئولیت کنترل جامعه را به عهده دارد. از این رو، فراتر از احکام عبادی و فردی است. بسیاری از مسائل در حیطةٔ امور اجتماعی وجود دارد که بررسی آنها بر عهده علم فقه بوده تا پاسخگوی ابهامات بشری با توجه به نیازهای روزمره باشد.

یکی از مسائلی که در جوامع امروز مورد توجه قرار گرفته مسئله «تنظیم خانواده» و «کنترل نسل» می‌باشد که در جهت تأمین آزادی خانواده و بهبود والدین، ثبات خانوادگی، ایجاد زمینه برای انتخاب سالم، تربیت صحیح کودکان و تأمین آینده‌ای بهتر برای آنان مفید است و نقش بسزایی را ایفا می‌کند.

اگرچه برخی از فروعات این مسئله در کتب فقهی قدما و متأخران مورد توجه و بحث قرار گرفته است - مانند موضوع عزل که یکی از متفرعات ابواب فقه اسلامی است و در کتاب نکاح به آن اشاره شده است - اما با نگاهی به مفاهیم بحث حاضر می‌توان آن را از مسائل مستحدثه دانست.

بحث تنظیم خانواده اگر از زاویه جواز یا حرمت آن مطرح شود، بحث چندانی را از نظر فقهی به دنبال نخواهد داشت، اما چنانچه از زاویه بررسی شیوه‌های کنترل نسل مطرح شود، در این صورت می‌توان به محدوده وسیعی در حوزه مباحث فقهی وارد شد. بنابراین، مقاله حاضر ابتدا درصدد شناساندن موضوع و سپس تبیین حکم فقهی مسئله خواهد بود.

گفتنی است تحقیق و تفحص در منابع فقهی مسئله تنظیم خانواده از طریق مطالعه و بررسی اخبار وارده از حضرات معصومین علیهم‌السلام و بررسی آراء و نظرات فقهای عظام صورت گرفته است. تحقیق حاضر راهنمای خوبی است برای تبیین حکم این

مسئله از دیدگاه فقه امامیه که برگرفته از اسلام ناب محمدی است. همچنین تبلیغ و ترویج حکم الهی می‌تواند برای دستیابی به شیوه‌های معقول و منطقی در این زمینه به منظور برنامه‌ریزی کلان در جامعه اسلامی مفید واقع شود. بدین وسیله، راه برای تطبیق بیشتر امور زندگی بر شالوده احکام الهی هموار خواهد شد و این مهم‌ترین انگیزه و هدف برای پرداختن به این موضوع می‌باشد.

تعریف تنظیم خانواده

واژه تنظیم خانواده معادل اصطلاح «برنامه‌ریزی خانواده» (Family planing) است؛ یعنی به کارگیری تدابیر و ابزاری که از آن طریق و بدان وسیله، بتوان روند طبیعی باروری را به صورت کنترل شده و دلخواه درآورد. (نخعی، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۲)

کنترل (controle) نیز واژه فرانسوی است که مرادف واژه انگلیسی چک کردن (check)، به معنای رسیدگی و تطبیق با شرایط می‌باشد. مفهوم کنترل حاکی از آن است که در مواردی که تعداد فرزندان کمتر یا بیشتر از تعداد ضروری است، برای تعدیل تعداد فرزندان خانواده، کنترل لازم خواهد بود. (جهانفر، ۱۳۷۷ ش، ص ۵۲) به دلیل آنکه در اغلب کشورهای جهان، کنترل موالید در جهت تقلیل باروری ضرورت یافته است، بسیاری از افراد کنترل موالید را به معنای جلوگیری از تولید مثل به کار گرفته‌اند. در حالی که مفهوم کنترل، تطبیق با شرایط غالب است؛ یعنی «افزایش یا کاهش حاملگی». بنابراین، تنظیم خانواده به معنای ارادی کردن تعداد فرزندان و ابعاد خانواده، همان کنترل موالید داوطلبانه اولیا در خانواده است که با توانمندسازی و جلب مشارکت فعالانه و رضایت‌مندانه کلیه افراد جامعه منجر به ارتقای سطح سلامت جامعه می‌گردد.

حکم تکثیر نسل بر مبنای منابع فقه و اصول

طرح تنظیم خانواده در دو جهت برای تعدیل تعداد افراد خانواده برنامه‌ریزی شده است: کاهش و افزایش. اگر تنظیم خانواده در جهت منفی، یعنی کاهش توالد، به کار گرفته شود در واقع، نقطهٔ مقابل تکثیر و افزایش نسل خواهد بود. حکم تکثیر نسل از دیدگاه فقه، به عنوان نقطهٔ مقابل کاهش توالد و تقلیل نسل از اهمیت برخوردار است؛ چراکه واقع شدن «حکم وجوب» بر مسئلهٔ تکثیر نسل، سبب حرمت جلوگیری از توالد و افزایش نسل خواهد شد. بنابراین، بررسی سایر مباحث، منوط به مطالعه و بررسی حکم توالد از دیدگاه شریعت در این قسمت می‌باشد.

بررسی روایات با موضوع تکثیر نسل

مهم‌ترین منبع و تنها سند برای تحصیل حکم تکثیر نسل، روایات وارده از حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌باشد؛ چراکه در قرآن کریم شاهد مثالی برای این موضوع یافت نشده و از طرفی، در بین منابع فقهی بعد از قرآن کریم، سنت به عنوان مهم‌ترین مرجع برای استخراج احکام الهی و در مرتبه‌ای بالاتر از اجماع و عقل قرار دارد. این روایات از چهار دیدگاه قابل بررسی می‌باشند. در ذیل، به چند نمونه از روایات هر بخش استناد می‌شود:

۱. روایات دالّ بر انتخاب زن ولود (زنی که فرزند بسیار می‌آورد)

۱-۱. «الحسن بن محبوب، عن العلاء بن رزی، عن محمد بن مسلم، عن ابی جعفر علیه‌السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تزوّجوا بکراً ولوداً و لا تزوّجوا خساء جمیلة عاقراً فانی اباهی

بکم الامم يوم القيامة» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۳۳)؛ امام باقر علیه السلام، از قول رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: با دختر باکره‌ای که فرزند زیاد می‌آورد، ازدواج کنید و با زن زیبای نازا ازدواج نکنید؛ زیرا من به فرزونی جمعیت شما در روز قیامت مباحات می‌کنم.

بررسی سند و دلالت حدیث: روایت مذکور از شیخ کلینی، از حیث سند صحیح می‌باشد و زوات آن همه امامی و ثقه هستند (درایة النور) و سلسله سند آن در جمیع مراتب به معصوم علیه السلام متصل می‌باشد.

روشن است که تشویق به ازدواج با «ولود» و بیان علتی که برای آن ذکر شده (مباحات به فرزونی جمعیت) دلالت بر مطلوبیت فرزند زیاد دارد.

۱-۲. الکلبینی باسناده «عن احمد بن محمد و سهل بن زیاد جميعاً، عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان عن ابي عبدالله عليه السلام قال: جاء رجل الى رسول الله صلى الله عليه وآله، فقال: يا نبي الله ان لي ابنة عم قد رضيت جمالها و حسنها و دينها ولكنها عاقر، فقال: لا تزوجها. ان يوسف بن يعقوب لقي اخاه فقال: يا اخی كيف استطعت ان تتزوج النساء بعدی؟ فقال: ان ابي امرنی و قال: ان استطعت ان تكون لك ذرية تثقل الارض بالنسيح فافعل. قال: فجاء رجل من الغد الى النبي صلى الله عليه وآله فقال له مثل ذلك، فقال له: تزوج سواء ولوداً. فانی مکاتر بکم الامم يوم القيامة؛ قال: فقلت لابی عبدالله عليه السلام ما السواء قال: القبيحة.» (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۳۳۳)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا! دختر عمویی دارم که زیبایی و حسن و دین او را می‌پسندم؛ ولی نازاست، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: با او ازدواج نکن؛ زیرا حضرت یوسف در دیدار با برادرش پرسید: چگونه پس از من توانستی با زنان ازدواج کنی؟ (برادرش) پاسخ داد: پدرم، به من فرمان داد و گفت: اگر می‌توانی فرزندان پدید آوری

که زمین را آکنده از تسبیح کنند، ازدواج کن. امام فرمودند: فردای آن روز مردی نزد پیامبر آمد و همان پرسش را نمود، پیامبر فرمود: با زن سواء که فرزند زیاد می آورد، ازدواج کن؛ زیرا من در روز قیامت به فراوانی مسلمانان بر سایر امتها تفاخر می کنم. روای می گوید: سؤال کردم: «سواء» چیست؟ امام فرمود: زن زشت منظر.

بررسی سند و دلالت حدیث: روایت مزبور صحیح السند می باشد. روات آن عبارتند از: احمد بن محمد، که این عنوان، مشترک است بین احمد بن خالد البرقی، که فردی امامی، ثقه و جلیل القدر می باشد و بین فردی به نام احمد بن محمد بن عیسی الاشعری که او نیز امامی و ثقه و جلیل القدر می باشد (درایة النور) و همچنین ابن محبوب که فردی ثقه و جلیل القدر از اصحاب اجماع می باشد (همان) و عبدالله بن سنان که شیعه دوازده امامی و ثقه می باشد. (همان) در نتیجه، این حدیث از حیث سند صحیح است و از حیث دلالت رجحان زن ولود بر زن زیباروی غیرولود را بیان می دارد؛ یعنی اگر امر دائر بین ولود بودن و زیبا بودن زن غیرولود باشد، پیغمبر اکرم ﷺ ولود بودن را ترجیح می دهند. با توجه به نقل بیانات حضرت یوسف و برادرش در این حدیث، این نکته به دست می آید که در شرایع گذشته نیز تأکید بر امر ازدواج و توالد جاری بوده است. بنابراین، این حدیث از جوانب مختلف بر مطلوبیت فراوانی اولاد دلالت دارد و می توان مضامین حدیث فوق را به ترتیب ذیل برشمرد:

الف. تشویق به ازدواج با ولود؛

ب. محبوب بودن سنگینی زمین به وسیله تسبیح کنندگان؛

ج. تعلیل به تفاخر امتها در روز قیامت به انبوه جمعیت مسلمانان.

۲. روایات دال بر تشویق به ازدواج به دلیل محبوبیت فرزند آوردن

فراوان

۲-۱. «صحيحه ابن رثاب عن محمد بن مسلم او غيره عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: تزوجوا فاني مكاثر بكم الامم غداً في القيامة حتى ان السقط ليحيى محببياً على باب الجنة، فيقال له: ادخل الجنة. فيقول: لا؛ حتى يدخل ابواي قبلي.» (صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ص ۳۸۳)؛ امام صادق عليه السلام از پیامبر خدا صلى الله عليه وآله نقل می‌کند: ازدواج نمایید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی شما بر امت‌ها افتخار می‌کنم؛ تا جایی که فرزند سقط شده با انتظار و ناراحتی بر در بهشت می‌آید، به او گفته می‌شود: وارد بهشت شو. در پاسخ گوید: خیر، وارد بهشت نمی‌شوم، مگر اینکه پدر و مادرم پیش از من وارد شوند.

شیخ صدوق در معانی الاخبار در معنای واژه «محببياً» از ابو عبیده نقل کرده: «المحببى» (بدون همزه) یعنی کسی که به خاطر دیر شدن، منتظر و ناراحت است و «المحببىء» (با همزه) یعنی کسی که شکم بزرگ و فراخ دارد. (همان، ص ۲۹۱) این روایت صراحتاً دلالت بر مطلوبیت ازدیاد فرزند دارد.

۲-۲. خصال باسناده عن علی عليه السلام فی حدیث «الاربعمائة» قال: «تزوجوا فان رسول الله صلى الله عليه وآله كثيراً ما يقول: من كان يحب ان يتبع سنتي فليتزوج، فان من سنتي التزويج، و اطلبوا الولد فاني اكاثر بكم الامم غداً» (همان، ۱۳۰۳ ق، ص ۶۱۴)؛ علی عليه السلام فرمودند: ازدواج کنید؛ زیرا پیامبر صلى الله عليه وآله بارها فرمودند: کسی که دوستدار پیروی از سنت من است، باید ازدواج کند. همانا ازدواج جزء سنت من است. و در طلب فرزند باشید؛ زیرا من در فردای قیامت به فزونی جمعیت شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم.

اطلاق «اطلبو الولد» محبوبیت زیاد نمودن فرزند را دربرمی‌گیرد. به علاوه، علتی که در ذیل روایت (مباهات پیغمبر اکرم بر فزونی جمعیت مسلمین) بیان شده نیز بر مطلوبیت آن دلالت دارد.

۳. روایات دالّ بر مطلوبیت افزودن بر تعداد فرزندان و مطلوبیت فرزند

داشتن

۳-۱. «عن عدّة من اصحابنا عن احمد بن محمد بن محمد عن القاسم بن يحيى عن جده الحسن بن راشد عن محمد بن مسلم عن ابي عبدالله عليه السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: اكثروا الولد اكثر بكم الامم غداً» (حرعاملی، ۱۳۹۷ ق، ج ۱۵، ص ۹۶)؛ امام صادق عليه السلام از پیامبر اکرم صلى الله عليه وآله نقل فرمودند: بر تعداد فرزندان بیفزایید؛ زیرا من در روز قیامت به فزونی شما بر امت‌ها تفاخر می‌کنم.

۳-۲. علی بن ابراهیم عن ابيه عن ابن ابي عمير عن هشام بن المثنى عن سرير عن ابي جعفر عليه السلام قال: «من سعادة الرجل ان يكون له الولد يعرف فيه شبهه و خلقه و خلقه و شمائله» (همان، ج ۱۴، ص ۹۵)؛ از سعادت مرد داشتن فرزندی است که تمام خصوصیت‌های اخلاقی و شباهت‌های ظاهری آن مرد در او دیده شود.

بررسی سند حدیث: ابن ابي عمير زياد امامی بوده (درایة النور) و هشام بن المثنى الحنطای نیز امامی و ثقة می‌باشد. (همان) سریر بن حکیم الصیرفی نیز بنا بر تحقیق رجال‌شناسان، شیعه اثناعشری و ثقة می‌باشد. با توجه به شناخته شده بودن علی بن ابراهیم و پدرش، حدیث مذکور صحیح و مسند می‌باشد.

۴. روایات دالّ بر ناپسند بودن عزل

«الحسین بن سعید عن صفوان عن العلاء عن محمد بن مسلم عن احمدهما رضی الله عنهما؛ انه سئل عن العزل، فقال: اما الامة فلا بأس و اما الحرّة فانی اكره ذلك الا ان شیطرت علیها حين یتزوجها» (طوسی، ۱۳۶۵، ق، ج ۷، ص ۴۱۷)؛ از امام باقر رضی الله عنه یا امام صادق رضی الله عنه درباره حکم عزل پرسیدند، فرمود: اما عزل در مورد کنیز اشکال ندارد. ولی نسبت به زن آزاد این کار را ناپسند می‌دانم، مگر آنکه در زمان تزویج شرط شود.

بررسی سند و دلالت حدیث: روایت حدیث، همه شیعه دوازده امامی و افرادی ثقه می‌باشند. در مورد صفوان بن یحیی گفته شده: امامی، ثقه، جلیل‌القدر و از اصحاب اجماع بوده و جز از افراد ثقه، روایت نقل نمی‌کرده است. (درایة النور) بنابراین، حدیث فوق صحیح‌السند و مسند می‌باشد. گفته شده است از این حدیث نامطلوب بودن جلوگیری از بارداری به دست می‌آید، اما به نظر می‌رسد روایت در مقام بیان این نکته نباشد، بلکه قصد دارد بگوید: کراهت عزل برای رعایت حقوق زن است. در تأیید این مطلب می‌توان به این نکته تمسک جست که کراهت عزل با شرط هنگام عقد، برداشته می‌شود. (خرازی، ۱۳۷۱ ش، ص ۴۵)

در استنتاج از روایات مزبور، باید دقت داشت که صیغه‌های امر به کار رفته با عناوین «تناكحوا، تناسلو، تكاثروا...» امر وجوبی نیستند، بلکه امر استحبابی می‌باشند؛ چراکه در دین مقدس اسلام و از دیدگاه فقه امامیه، ازدواج امر مستحب مؤکد می‌باشد. بنابراین، صیغه‌های فعل امر در مورد ازدواج با زن ولود و

صیغه‌های فعل نهی از ازدواج با زن عقیم که در اخبار مذکور بیان شده، اوامر و نواهی دال بر وجوب و حرمت نمی‌باشند، بلکه اوامر، مستحبی و نواهی دال بر کراهت می‌باشند؛ چراکه استعمال صیغه‌های امر در استحباب و نواهی در کراهت امری شایع بوده تا جایی که عده‌ای معتقدند صیغه امر و نهی حقیقتی اشتراکی بین وجوب و استحباب و بین حرمت و کراهت می‌باشد و به دلیل آنکه تناسل و توالد یکی از اهداف ازدواج است نه تمام هدف آن، و حفظ کردن نفس دین و جلوگیری از آلودگی به گناه یکی از مهم‌ترین اهداف ازدواج می‌باشد، هیچ‌یک از علما و فقها به وجوب ازدواج با زن ولود و حرمت ازدواج با زن غیرولود قایل نشده‌اند. ایشان معتقدند: ازدواج با زن ولود واجب نیست، بلکه مطلوب شارع بوده و مستحب است. (قدیری، ۱۳۷۷ ش، ص ۱۷۰)

از روایات وارده در باب تکثیر نسل، با توجه به توضیحاتی که در مورد فعل امر و نهی در آنها داده شد، استحباب داشتن فرزند و افزایش نسل به دست می‌آید، نه وجوب آن. شاهد بر این مدعا تعلیل رسول اکرم است به «انی اباهی و اکاثر یوم القيامة» و همچنین تعلیل به آکنده شدن زمین از تسبیح‌کنندگان و مانند این جملات که از آنها تنها محبوبیت و استحباب استفاده می‌شود. (خرازی، ۱۳۷۱ ش، ص ۵۲)

از طرفی، روایات صحیحی که از آنها جواز عزل (یکی از شیوه‌های جلوگیری از توالد) استفاده می‌شود، متعدد هستند؛ مانند صحیحه محمد بن مسلم که می‌گوید: «سألتُ ابا عبد الله عن العزل، فقال: ذلك الى الرجل یضرفه حیثُ شاء» (طوسی، ۱۳۶۵ ق، ج ۷، ص ۴۱۷)؛ از امام صادق علیه السلام در مورد عزل پرسیدم، امام فرمودند: اختیار آن به دست مرد است؛ هر جا بخواهد می‌تواند آن را بریزد.

روایت فوق و امثال آن، دلیل روشنی هستند بر اینکه توالد و بچه‌دار شدن واجب نیست و اطلاق آن می‌فهماند «عزل» جایز است. بنابراین، عزل اگرچه موجب عدم توالد دائمی باشد، جایز است و به طریق اولی اگر عدم ازدیاد اولاد را در پی داشته باشد نیز جایز خواهد بود. علاوه بر آنچه ذکر شد، روایات دیگری وجود دارند که این ادعا را تأیید می‌کنند؛ مانند روایاتی که کم بودن تعداد افراد خانواده را یکی از اسباب راحتی دنیا می‌دانند. بدیهی است چنانچه تکثیر نسل، از دیدگاه شریعت اسلام امر واجبی بود، تعبیری از این دست معنا نداشت، به خصوص اینکه در یکی از این احادیث، تنظیم خانواده از اموری شمرده شده که به صلاح دین و دنیای مسلمانان است. در اینجا به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

۱. فی الخصال عن ابیه عن سعد عن الیقظینی عن القاسم بن یحیی عن جده الحسن بن راشد عن ابی بصیر و محمد بن مسلم عن ابی عبدالله علیه السلام قال: حدّثنی عن جدی عن آبائه علیهم السلام: ان امیر المؤمنین علم اصحابه فی مجلس واحد اربعمائه باب مما یصلح للمسلم فی دینه و دنیاہ - الی ان قال: «قلّة العیال احد الیسارین» (مجلسی، ۱۳۹۹ ق، ج ۱۰، ص ۹۹)؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: پدرم از جدم و او از پدرانش روایت کرده: امیرالمؤمنین علیه السلام در یک مجلس چهارصد مورد از مواردی که به صلاح دین و دنیای مسلمانان است به آنها تعلیم داد. تا اینکه فرمود: «کمی عیال از اسباب راحتی است.»

۲. «فی قرب الاسناد عن ابن طریف عن ابن علوان عن الصادق عن ابیه علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله: قلّة العیال احد الیسارین» (همان، ج ۱۰۴، ص ۷۲)؛ امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: کمی عیال از اسباب راحتی است.

حکم تکثیر نسل از دیدگاه علمای شیعه

در بررسی نظرات و فتاوای علما، نکات ذیل به دست می‌آید:

الف. هیچ‌یک از فقهای شیعه و سنی حکم به وجوب توالد نکرده‌اند و ظاهراً در بین مسلمانان در عدم وجوب تکثیر نسل اختلافی نیست. (نووی، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۰۴)

ب. کسی در بین فریقین حکم به وجوب نکاح نکرده است و این در حالی است که اگر توالد واجب باشد، مسلماً نکاح نیز از باب مقدمه واجب، واجب شمرده می‌شود. در حالی که با وجود کراهت ترک ازدواج، می‌توان ازدواج را ترک کرد و یا بر فرض ازدواج، از بچه‌دار شدن به طور مطلق جلوگیری نمود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۲ ش، ص ۳۹)

چنانچه درصدد باشیم تا حکم مسئله را از طریق اصول عملیه به دست آوریم، روشن است که هرگاه شک در تکلیف در شبهات حکمیه بود، خواه شبهه حکمیه، تحریمیه باشد یا وجوبیه، اصل برائت جاری می‌شود؛ چراکه شارع مقدس در برابر تکلیف مشکوک و واقعه مشکوک الحکم احتیاط را لازم نمی‌داند (مظفر، ۱۳۶۹ ش، ج ۴، ص ۱۶) و انسان را نسبت به فعل یا ترک آن مشکوک مختار گذاشته است. بنابراین، در هر واقعه مشکوک الحکم که حکم واقعی آن به ما نرسیده است و مکلف در آن شک می‌باشد، قانونگذار یک حکم ظاهری جعل و وضع کرده که اباحه ظاهری یا رخصت است. (فیض، ۱۳۷۰ ش، ص ۱۶۵)

«اصالة الاباحة» که از اصول مهم در فقه و اصول فقه امامیه است، مجرای آن عبارت است از موردی که در حلال یا حرام بودن مسئله‌ای شک شود. مورد بحث ما نیز در صورت کافی نبودن ادله طرفین از آن موارد خواهد بود. بنابراین، اصل در مسئله تکثیر نسل، اباحه می‌باشد.

فرایند لقاح و باروری و شیوه‌های تنظیم خانواده

مباحث مربوط به فرایند لقاح و باروری و شیوه‌های تنظیم خانواده از بعد پزشکی، در واقع حکم شناسایی موضوع را دارد و به تبع آن، در حکم شرعی هر یک تأثیر خواهد داشت.

الف. حاملگی

حاملگی عبارت است از ترکیب اوول (تخمک) با اسپرماتوزئید. به عبارت دیگر، حاملگی به عنوان نتیجه باروری و لقاح شناخته شده است. (بشیری، ۱۳۸۲ ش، ص ۹۲) در فرایند باروری ابتدا تخمک آزاد شده از تخمدان به سطح تخمدان نزدیک می‌شود تا به وسیله لوله‌های فالوپ که در دو طرف قسمت فوقانی رحم قرار دارند، کشیده شود. بعد از تخمک‌گذاری، اووسیت (تخمک) به طور طبیعی تا ۱۲ ساعت قدرت بارور شدن دارد. در صورت مساعد بودن شرایط باروری، مدت کوتاهی پس از تخمک‌گذاری (چند دقیقه یا حداکثر چند ساعت) تخمک درون لوله‌های فالوپ، توسط یک اسپروماتوزئید بارور می‌گردد و ۶ روز پس از این باروری کاشته شدن بلاستوسیت (نطفه حاصل از لقاح تخمک و اسپرم) در آندومتر (دیواره رحم) آغاز شده و حاملگی شروع می‌شود. (سیاح ملی، ۱۳۷۰ ش، ص ۷۳)

بنابر آنچه گفته شد، می‌توان مراحل پیدایش یک جنین را در پنج مرحله بیان کرد:

۱. تولید تخمک به وسیله تخمدان‌ها؛

۲. ورود اسپرم به داخل مهبل و از داخل آن به داخل رحم؛

۳. حرکت اسپرم به سمت تخمک و تلقیح و پیدایش نطفه؛

۴. حرکت نطفه از لوله‌های رحم به سمت تنه رحم و حضور در محدوده میانی

رحم؛

۵. لانه‌گزینی در جدار رحم و تشکیل جفت و آغاز ارتزاق از بدن مادر.

با توجه به مراحل فوق در تشکیل جنین، درمی‌یابیم که در مرحله سوم، نطفه منعقد شده و در مراحل بعدی، نطفه پدید آمده به طور طبیعی شروع به رشد می‌کند.

ب. روش‌های پیشگیری از بارداری

منظور از روش‌های پیشگیری از بارداری، روش‌هایی هستند که مانع از بارداری ناخواسته می‌شوند و شامل همه تدابیر موقت یا دائمی جلوگیری از بارداری می‌باشد.

(شجاعی، ۱۳۸۰ ش، ص ۴۱)

از یک نگاه، روش‌های پیشگیری از بارداری را به شکل زیر می‌توان طبقه‌بندی

کرد:

الف. روش‌های موقتی که به دو دسته روش‌های کوتاه مدت (شامل قرص‌های خوراکی، روش‌های ایجاد مانع یا کاندوم، و وسیله داخل رحمی یا IUD) و روش‌های بلند مدت (شامل روش نورپلانت یا کپسول کاشتنی، و آمپول‌های تزریقی) تقسیم می‌شود.

ب. روش‌های دائمی که شامل دو روش توبکتومی (عقیم کردن زنان) و وازکتومی

(عقیم کردن مردان) می‌باشد.

ج. روش‌های متفرقه که شامل دو روش عزل (مقاربت منقطع) و روش ریتم

(استفاده از دوره مطمئن تخمک‌گذاری) می‌باشد. (انجمن تنظیم خانواده، ۱۳۷۹، ص ۱)

شیوه‌های جلوگیری از تکثیر نسل، روش‌های متعددی است که هر یک، ناظر به یک یا چند مرحله از مراحل پنج‌گانه پیدایش جنین می‌باشد. با توجه به اینکه عمل لقاح و تشکیل نطفه مهم‌ترین جایگاه را در این دسته از احکام مربوط به تنظیم خانواده دارا می‌باشد، و ملاک در کاربرد ابزار و شیوه‌های جلوگیری از بارداری، نحوه عملکرد آنها نسبت به تخمک یا اسپرم و یا تخم لقاح یافته از آن دو می‌باشد، روش‌های کنترل نسل را از دیدگاه دیگری نیز می‌توان مورد بررسی قرار داد. با توجه به شناخت مراحل پنج‌گانه باروری و بررسی شیوه‌های جلوگیری از بارداری با این دیدگاه، به نظر می‌رسد که با شناخت و نحوه عملکرد روش‌های متعدد مقابله با حاملگی - اگرچه در آینده ابداع شوند - می‌توان حکم هر طریقه را استنباط کرد. با این توضیح، روش‌های جلوگیری از حاملگی را به دو دسته کلی می‌توان تقسیم کرد:

الف. روش‌هایی که مانع از لقاح اسپرم با تخمک می‌شود؛ خواه بیرون رحمی باشد (مانند کاندوم) و یا درون رحمی (مانند IUD) و خواه از نوع روش‌های کوتاه‌مدت باشد (مانند داروهای ترکیبی LD و HD) و یا به نحو بلندمدت (مانند نورپیلانت و آمپول‌های تزریقی). البته دو روش وازکنومی و توبکتومی (تعقیم مرد و زن) اگرچه مشمول این روش می‌باشد، اما با توجه به دایمی بودن آن، بحث خاصی را پیرامون عدم جواز این شیوه می‌طلبد.

ب. روش‌هایی که در آنها نطفه منعقد شده حاصل از ترکیب اسپرم یا تخمک از بین می‌رود. این روش خود به دو دسته تقسیم می‌شود: گاه ناظر به نطفه منعقد شده است؛ نطفه‌ای که هنوز لانه‌گزینی در دیواره رحم را انجام نداده است (مانند قرص‌هایی که بعد از مقاربت مصرف می‌شود و می‌تواند از نوع LD یا HD باشد)، و

گاه ناظر به نطفه منعقد شده‌ای است که در مرحله لانه‌گزینی می‌باشد. در چنین صورتی، ممکن است نطفه وارد مرحله علقه هم شده باشد (مانند انواع روش‌های سقط‌جنین؛ از جمله خوردن مواد از بین برنده نطفه).

بررسی آراء و نظرات علمای معاصر

شیوه‌های نوین کنترل بارداری در گذشته مطرح نبوده و از مسائلی است که امروزه دامنگیر مسائل فقهی شده؛ از این رو، در گذشته جایگاهی را در کتب فقهی نداشته است. بررسی آراء و نظرات فقهای معاصر می‌تواند به عنوان معیار و ملاک مشخصی در استنباط حکم شیوه‌های جلوگیری از تکثیر نسل مد نظر قرار گیرد.

از بررسی فتاوای فقهای عظام و مطالعه استفتائات ایشان چنین برمی‌آید که اعمال شیوه‌های تنظیم خانواده در جهت تحدید بارداری تا پیش از انعقاد نطفه ممنوع نیست و جایز می‌باشد، مشروط بر اینکه اولاً، موجب وارد آمدن لطمه به سلامت عضو نگردد و ثانیاً، فساد یا نقص عضو و عقیم شدن دایمی زن یا مرد را در پی نداشته باشد. در استفتایی از امام خمینی علیه السلام، ایشان در پاسخ به این پرسش که راه‌های شرعی جلوگیری از حاملگی را بیان فرمایید، چنین مرقوم فرمودند: جلوگیری از حاملگی در صورتی که موجب عقیم شدن یا نقص و یا فساد عضو نشود اشکالی ندارد. (موسوی خمینی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۸۲)

همچنین مقام معظم رهبری در پاسخ به این استفتا که پرسیده بودند: «استفاده از یکی از دستگاه‌های جلوگیری از بارداری که چگونگی جلوگیری از حاملگی توسط آن تا به امروز معلوم نشده، ولی به عنوان وسیله‌ای برای جلوگیری از بارداری شناخته

شده است چه حکمی دارد؟» اعلام کردند: اگر موجب از بین رفتن نطفه بعد از استقرار آن در رحم شود و یا مستلزم نگاه و لمس حرام باشد جایز نیست. (خامنه‌ای، ۱۳۸۱ ش، ج ۳، ص ۲۷۷ و ۲۷۸)

در استفتای دیگری از معظم له، چنین آمده است: آیا از بین بردن نطفه منعقد شده‌ای که در رحم مستقر شده، قبل از رسیدن به مرحله علقه که تقریباً چهل روز طول می‌کشد جایز است؟ و اصولاً در کدام یک از مراحل ذیل، سقط جنین حرام است؟

۱. نطفه استقرار یافته در رحم؛ ۲. علقه؛ ۳. مضغه؛ ۴. عظام (قبل از دمیدن روح). ایشان پاسخ فرمودند: از بین بردن نطفه بعد از استقرار آن در رحم و همچنین سقط جنین در هیچ یک از مراحل بعدی جایز نیست. (همان، ص ۲۷۷-۲۷۹)

آیات عظام تقلید فاضل لنکرانی، بهجت، مکارم شیرازی و تبریزی، جلوگیری از بارداری را با شرایط ذیل بدون اشکال می‌دانند: ۱. موجب عقیم شدن دایمی نشود؛ ۲. این کار مستلزم فعل حرام نشود؛ ۳. شوهر رضایت داشته باشد.

لازم به ذکر است که جلوگیری از بارداری از جانب زن منوط به اذن و رضایت همسر می‌باشد، در حالی که در مورد مرد چنین نیست. البته آیت‌الله تبریزی در مورد رضایت شوهر بر این باورند که زن می‌تواند بدون اجازه شوهر به هر روشی که بخواهد از بارداری جلوگیری نماید، مشروط به آنکه این کار مشتمل بر حرامی نباشد. (معصومی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۵)

بنابراین، شرایط مشروع بودن شیوه‌های تنظیم خانواده را می‌توان به صورت ذیل برشمرد:

الف. استفاده از روش‌هایی که موجب عدم انعقاد نطفه باشد؛

- ب. موجب عقیم شدن دائمی نشود؛
ج. مستلزم فعل حرام نباشد (لمس یا نظر حرام)؛
د. توأم با رضایت و اذن همسر (شوهر) باشد.

مبانی فقهی روش‌های تنظیم خانواده

از میان منابع دینی که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد، در قرآن کریم آیه یا آیاتی که مرتبط با موضوع مورد بحث باشد، وجود ندارد. از این رو، در مرحله بعد، سنت (قول و فعل و تقریر معصوم علیه السلام) مورد استفاده واقع شده تا حکم این مسئله با توجه به اخبار وارده از ائمه معصومین علیهم السلام استنباط شود.

مبانی فقهی حکم عزل

«عزل» قدیمی‌ترین روش کنترل نسل، از دیرباز برای جلوگیری از بارداری کاربرد داشته است و روایات متعددی از ائمه معصومین علیهم السلام در ارتباط با این موضوع بیان شده است، به نحوی که احکام عزل یکی از متفرعات ابواب فقه اسلامی است و در کتب فقهی قدما و متأخران در مباحث نکاح، مورد توجه قرار گرفته است. روایات در مورد «عزل» متعدد است. در روایت صحیحی که کلینی از امام صادق علیه السلام نقل کرده چنین آمده است: عن عبدالرحمان بن حذاء عن ابی عبدالله علیه السلام قال: «کان علی بن الحسین علیه السلام لا یری بالعزل بأساً...» (کلینی، ۱۳۰۵ ق، ج ۵، ص ۵۰۴)؛ از امام صادق علیه السلام نقل شد که حضرت سجاد علیه السلام فرمود: در مورد عزل منعی نمی‌بینم.

از بررسی روایات وارده در این باب، چنین به دست می‌آید که ادله جواز عزل،

مطلق است و صورتی را که منجر به عدم مطلق توالد شود نیز شامل می‌شود. لازمه این مسئله، عدم وجوب استیلا می‌باشد.

شرایط عزل در ازدواج دائم

الف. رضایت همسر: گرچه روایات مربوط به عزل اشاره‌ای به رضایت زن ندارد و از این حیث، تفاوتی بین رضایت زوجه و عدم رضایت او گذاشته نشده، در عین حال، مسئله رضایت زن در کتاب‌های فقهی مورد بحث و توجه قرار گرفته است. به دلیل آنکه تصمیم‌گیری در زمینه توالد و تناسل حقی است که هم به زن و هم به شوهر تعلق می‌گیرد، هرگونه اقدامی در این جهت می‌باید با خواست و رضایت هر دو طرف باشد. صاحب ریاض المسائل چنین می‌گوید: «اختلف الاصحاب فی جواز العزل... عن الحرّة بغير اذنها ولو بالشرط حال العقد اختياراً بعد اتفاهم عليه فی الامّة مطلقاً و الحرّة مع الاذن مطلقاً» (طباطبائی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱۰، ص ۷۸)؛ آراء فقها در مورد جواز عزل و ریختن منی در خارج از عقد زنی که آزاد است (کنیز) و اجازه به عزل نداده است، مختلف می‌باشد، اگرچه در هنگام عقد و در حالی که زن مختار بوده عزل با او شرط شده باشد. اما در مورد کنیز و زن آزادی که اجازه به عزل داده - خواه در هنگام عقد و یا بعد از عقد - اتفاق نظر دارند.

هرچند علمای امامیه متفقاً بر جواز عزل با اجازه زن حکم رانده‌اند، اما در موردی که رضایت زن کسب نشده باشد، اختلاف نظر دارند.

شهید ثانی چنین می‌گوید: «... فلو اذنت التتفی ایضاً» (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ص ۱۰۲)؛ در زن دائمه، اگر زن اذن به عزل داده باشد، عزل جایز است. همچنین ادعای

اجماع در زن دائمه با فرض اجازه او، با مراجعه به کتاب‌های حدائق الناضره (بحرانی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲۳، ص ۶۸) و جواهر الکلام (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۱۱۴) نیز مشهود است. اما در هر صورت، جواز عزل در فرض اذن زوجه از مسلمات فقه امامیه می‌باشد.

ب. اشتراط در ضمن عقد نکاح: صورت دیگری که در این زمینه مطرح می‌باشد، اشتراط در زمان عقد است. فقهای امامیه در استنباط این حکم نیز صحیحه محمد بن مسلم را - که پیش‌تر ذکر شد - مورد استناد قرار داده‌اند. محقق حلی می‌گوید: «العزل عن الحره اذا لم يشترط في العقد و لم تأذن قيل هو مُحْرَم...» (حلی، ۱۳۷۰ ش، ج ۲، ص ۴۹۶) ظاهر عبارت محقق حلی چنین است که اشتراط عزل هنگام عقد را برای جواز عزل لازم می‌داند.

محقق نراقی در مستند الشیعه آورده است: «الظاهر عدم الخلاف فی جواز العزل، عن الامه والدائم مع اذنها او شرطه حين العقد...» (نراقی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱۶، ص ۷۴)؛ ظاهراً در جواز عزل از کنیز و زن آزاد (غیرکنیز) در ازدواج دائم در صورتی که زن رضایت به عزل داده باشد، اختلافی در بین آراء فقهاست.

نظر صاحب جواهر نیز چنین است: «و علی کل حال فلا ریب فی ان الاقوی الجواز حتی فی الوطاء، الواجب لکن مع الکراهة الا مع الشرط او الاذن.» (نجفی، بی تا، ج ۲۹، ص ۱۱۳)

با استناد به صحیحه محمد بن مسلم که از حیث سند و دلالت واضح است، می‌توان مدعی شد که در فرض اشتراط ضمن عقد، عزل در زن دائمی جایز است؛ زیرا این از حقوق مسلم زن است که در مورد داشتن یا نداشتن فرزند همانند مرد بتواند تصمیم‌گیری کند.

حکم عزل از دیدگاه علمای امامیه

فقه‌های امامیه در استنباط حکم مسئله فوق (حکم عزل در ازدواج دائم در صورت عدم اذن زوجه و عدم اشتراط حین العقد) به دو گروه تقسیم می‌شوند: برخی، تنظیم خانواده و کنترل موالید را مجاز نمی‌دانند و گروه دیگری در نقطه مقابل قرار گرفته‌اند.

قایلان به حرمت عزل

در این زمینه، می‌توان از شیخ مفید نام برد. وی چنین اظهار کرده است: «و لیس لاحد ان یعزل الماء عن زوجة حرة الا ان ترضی منه بذلك» (مفید، ۱۴۱۰ ق، ص ۵۱۶)؛ هیچ مردی حق ندارد عزل کند، مگر آنکه همسر وی رضایت داشته باشد. ظاهر کلام شیخ مفید دلالت بر حرمت عزل در فرض مذکور دارد.

شیخ طوسی نیز در کتاب خلاف فرموده‌اند: «العزل عن الحرة لا يجوز الا برضاها، فمتی عزل بغير رضاها، اثم... دلیلنا اجماع الفرقة و اخبارهم و طريقة الاحتیاط.» (طوسی، ۱۴۱۷ ق، ج ۴، ص ۳۵۹) ایشان کنترل موالید را فقط با رضایت زن مجاز می‌دانند؛ در غیر این صورت، چنانچه مردی عزل کند مرتکب گناه شده است. شیخ طوسی سپس به ارائه دلایل امامیه پرداخته، اتفاق نظر علمای شیعه، روایات ایشان و همچنین تمسک به احتیاط را به عنوان دلیل بیان کرده است.

علاوه بر مواردی که بیان شد، ابن حمزه در الوسيلة (طوسی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۱۴)، شهید اول در اللمعة (عاملی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۶۰) و فاضل مقداد در التنقیح (سیوری الحلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۳، ص ۲۴) به حرمت عزل در این فرض فتوا داده‌اند.

قایلان به جواز عزل

علامه حلی می‌گوید: «وقد روی اباحة العزل عن الحرة عن علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد علیه السلام». (حلی، ۱۴۱۵ ق، ج ۷، ص ۹۴) عبارت علامه حلی صراحتاً بر جواز عزل دلالت دارد.

محقق سبزواری در این رابطه می‌نویسد: «... و اختلفوا فی جواز العزل عن الحرة الدائمة مع عدم الاذن فذهب الاكثر الى جوازه علی كراهية...» (سبزواری، بی‌تا، ص ۱۵۰) محقق سبزواری نیز مانند شهید ثانی قول به جواز عزل (با حکم کراهت آن) را قول اکثر دانسته است. همچنین شهید ثانی در کتاب الروضة البهیه (ج ۵، ص ۱۰۲) قول به جواز را اشهر برشمرده است. صاحب کتاب نهاية المرام (عاملی، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۵۱) و فاضل اصفهانی در کشف اللثام آن را قول اکثر دانسته‌اند.

از دیگر فقهای که قایل به کراهت عزل شده و در کتب فقهی خویش متذکر آن شده‌اند می‌توان از ابن براج در مهذب البارع (حلی، ابن فهد، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۴۳)، ابن ادریس در سرائر (حلی، ابن ادریس، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۶۰۷)، محقق حلی در شرایع الاسلام (۱۳۷۰ ش، ج ۲، ص ۴۹۶)، علامه حلی در تبصرة المتعلمین (حلی، الحسن بن یوسف، بی‌تا، ص ۱۳۸) و ارشاد الازدهان (همو، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۵)، امام خمینی در تحریر الوسیله (بی‌تا، ج ۲، ص ۲۷۶) و سید یزدی در عروة الوثقی (یزدی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۶۴۱) نام برد.

تعمیم حکم عزل

نظر به اینکه شیوه عزل از نظر شریعت اسلام ممنوع شناخته نشده است، به تبع آن، شاید بتوان سایر شیوه‌های جلوگیری از حاملگی را (بر اساس کار آنها بر مبنای ممانعت امتزاج سلول جنسی مرد یا زن) جایز شمرد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت: شیوه عزل، مصداقی از یک ضابطه کلی در جلوگیری از بارداری می‌باشد؛ یعنی همان‌گونه که مصادیق و وسایل جلوگیری از بارداری با توجه به پیشرفت فناوری، از شیوه ساده «عزل» به شیوه‌های جدید و نو تحول پیدا کرده است، پس چنانچه قایل شدیم که شیوه عزل به عنوان مصداقی از یک قضیه کلی در جلوگیری از بارداری بوده و از نظر شارع مقدس جایز می‌باشد، باید بر جواز سایر مصادیق که عملکرد مشابهی دارند نیز معتقد باشیم، مگر آنکه دلیل خاصی آن مصداق را منع کرده باشد. (ناصری، ۱۳۷۷ ش، ص ۵۷)

نتیجه

بر اساس دلایلی که در مقاله بیان شد، جلوگیری از بچه‌دار شدن در شریعت اسلام حرام نمی‌باشد، بلکه جایز است. در روایات، از جلوگیری طبیعی نام برده شده است و فقهای امامیه درباره آن سخن رانده‌اند.

اگر ثابت شد «عزل» به عنوان روشی در تنظیم خانواده، در اسلام جایز است، می‌توان این روش را به دیگر روش‌هایی که مانع از انعقاد نطفه باشد سرایت داد و به تعبیر فقهای عظام «الغاء خصوصیت» کرد.

بنابراین، هر روشی که بتواند این هدف را تأمین کند و شرایط زیر را داشته باشد

دارای همان ملاک عزل است: ۱. پیش از انعقاد نطفه باشد؛ ۲. ضرری به زن یا شوهر وارد نکند؛ ۳. متوقف بر فعل حرامی مانند لمس و نظر عورت از جانب اجنبی نباشد. مطالب دیگری پیرامون روش‌های تنظیم خانواده و مبنای مشروعیت آنها (از جمله بحث تعقیم زن و مرد، سقط جنین و مسئله لمس و نظر) وجود دارد که شایسته است در مقاله مستقل دیگری مورد بررسی و تبیین قرار گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. انجمن تنظیم خانواده جمهوری اسلامی ایران؛ روش‌های پیشگیری از بارداری؛ تهران: ۱۳۷۹ ش.
۲. بحرانی، یوسف بن احمد؛ الحدائق الناضرة؛ محقق: محمد تقی ایروانی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳ ش.
۳. بشیری، محمد؛ بیماری‌های زنان و مائمی؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۲ ش.
۴. جهانفر، محمد؛ جمعیت و تنظیم خانواده؛ تهران: دهخدا، ۱۳۷۷ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسین؛ وسائل الشیعة؛ محقق: عبدالکریم ربانی شیرازی؛ ج ۴، تهران: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۶. حلی، ابن ادريس؛ السرائر؛ محقق: جنة التحقيق؛ ج ۲، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۷. حلی، ابن فهد؛ المهدب البارع؛ محقق: مجتبی عراقی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۱ ق.
۸. حلی، ابوالقاسم، نجم‌الدین جعفر بن الحسن؛ شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ تهران: استقلال، ۱۳۷۰ ش.
۹. حلی (علامه)، جمال‌الدین حسن بن یوسف؛ تبصرة المتعلمین فی احکام الدین؛ [بی‌جا]، مجمع الذخائر الاسلامیه، [بی‌تا].
۱۰. خامنه‌ای، علی؛ رساله اجوبه الاستفتائات؛ تهران، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱.
۱۱. خرازی، محسن؛ ارشاد الازهان الی احکام الایمان؛ محقق: فارس الحسون؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۱۰ ق.
۱۲. _____؛ «کنترل جمعیت و عقیم‌سازی»؛ فقه اهل بیت؛ سال ششم، شماره ۲۱ و ۲۲، ۱۳۷۹ ش.
۱۳. خمینی، حسن؛ مبانی فقهی تنظیم خانواده؛ تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۸۱.
۱۴. درایة النور (نرم‌افزار تخصصی رجالی شیعه)؛ قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلام، بی‌تا.
۱۵. سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن؛ کفایة الاحکام؛ اصفهان: مدرسه صدر مهدوی، [بی‌تا].
۱۶. سیاح ملی، منیژه؛ بیماری‌های زنان، زایمان و نازایی؛ مترجم نیره حائری فرما، تبریز: نشر آذربایجان، ۱۳۷۰.
۱۷. سیوری الحلی، جمال‌الدین مقداد بن عبدالله؛ التنقیح الواضع لمختصر الشرائع؛ محقق: عبداللطیف کوه‌کمری؛ قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.

۱۸. شجاعی تهرانی، حسین و عبادی فرد، فرید؛ جمعیت، تنظیم خانواده و بهداشت باروری؛ تهران: سما، ۱۳۸۰ ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن الحسین؛ الخصال؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۳۰۳ ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن الحسین؛ معانی الاخبار؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۲۱. طباطبائی، علی؛ ریاض المسائل؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. طوسی، ابن حمزه؛ الوسيله الى نيل الفضيلة؛ محقق محمد الحسون، قم: مكتبة آية الله مرعشي، ج ۱، ۱۴۰۸ ق.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن؛ تهذيب الاحكام؛ تحقيق: حسن خراسانی و محمد آخوندی؛ ج ۴، قم: دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۶۵ ش.
۲۴. عاملی، زين الدين بن علی؛ الروضة البهية في شرح اللمعة؛ محقق: محمد کلانتر؛ قم: داوری، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. فیض، علیرضا؛ مبادئ فقه و اصول؛ قم: دارالفکر، ۱۳۶۹ ش.
۲۶. قدیری، ناصر؛ پژوهشی پیرامون اسلام و باروری؛ تهران: [بی نا]، ۱۳۷۷ ش.
۲۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ مصحح: علی اکبر عقاری؛ بیروت: دارالاضواء، ۱۳۰۵ ق.
۲۸. مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار؛ ج ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۹. مظفر، محمد رضا؛ اصول فقه؛ ترجمه و شرح: علی محمدی؛ قم: دارالفکر، ۱۳۶۹ ش.
۳۰. معصومی، مسعود؛ احکام و روابط زن و شوهر؛ قم: انتشارات مؤلف، ۱۳۷۸ ش.
۳۱. مفید، محمد بن محمد؛ المقتنعة؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ق.
۳۲. موسوی خمینی، روح الله؛ استفتائات حضرت امام خمینی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ ش.
۳۳. نجفی، محمد حسن؛ جواهر الکلام؛ محقق: محمود قوچانی؛ [بی جا]، المكتبة الاسلامية، [بی تا].
۳۴. نخعی، مهناز؛ جمعیت و تنظیم خانواده؛ تهران: آبیژ، ۱۳۸۱ ش.
۳۵. نراقی، احمد بن محمد مهدی؛ مستند الشیعة؛ مشهد: مؤسسه آل البيت للاحياء التراث، ۱۴۱۵ ق.
۳۶. نووی، محی الدین؛ المجموع فی شرح المذهب؛ [بی جا]، دارالفکر، [بی تا].
۳۷. یزدی، محمد کاظم؛ العروة الوثقی؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان، ج ۲، ۱۴۱۲ هـ ق.